

نکاتی پیرامون نشست کومه‌له و تأملی بر پیچیدگی‌های گ‌ردباد تحولات

شورش کریمی

نشست اخیر بین دو جریان کومه‌له (سازمان کردستان حزب کمونیست ایران) و کومه‌له (سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران) را باید در چارچوب یک معادله پیچیده سیاسی ارزیابی کرد که سه عامل اساسی دارد: ضرورت‌های عملی مبارزه، حفظ اصول استراتژیک، و شرایط متغیر میدان سیاسی. این مثلث استراتژیک، محور اصلی تحلیل ما خواهد بود.

1. ضرورت‌های عینی و محدودیت‌های میدانی:

این نشست، یک اقدام دیپلماتیک میان دو حزب سیاسی دارای دو جهان‌بینی و سیاستهای متفاوت است که هر کدام به نوعی در مبارزات مردم کردستان دخیل هستند. در واقع از نوع همان نشست‌هایی است که بارها با احزاب دیگر کردستان نظیر حزب دموکرات کردستان ایران و پژاک و در دو سه سال اخیر از جمله با خود این حزب هم داشته ایم.

هدف همه این نشست‌ها انجام اقدامات عملی، رفع نگرانی‌های مردم، خنثی کردن توطئه‌های دشمن، جلوگیری از تبدیل شدن اختلافات سیاسی به درگیری‌های مسلحانه و مسائلی از این قبیل بوده است. مضافاً ما با این گروه اخیر تاریخ مشترکی هم داریم. هدف این نشست مشخص در ارتباط با شرایط ویژه سیاسی کنونی است.

یکی از سناریوهای احتمالی آینده، توافق آمریکا با ایران، تغییرات از بالا، میدان‌داری اصلاح‌طلبان حکومتی، رف‌رم‌های محدود و کنترل شده و نابود کردن پتانسیل انقلابی جنبش کردستان است. زمزمه‌ها و شایعاتی از مذاکرات پشت پرده بعضی از احزاب کردستان و یا تمایل آنها به مذاکره و بازی در میدان رژیم سرکوبگر ایران شنیده می‌شود. این زمزمه‌ها در صورت صحت یا اجرایی شدن، در وهله

اول اتحادی علیه چپ، سازمان‌های انقلابی و حتی سرنگونی طلب است. هدف چنین اتحادی علیه انقلاب و جریانات چپ و کمونیستی است که نه تنها به هیچگونه سازشی با جمهوری جنایتکار اسلامی تن نمی‌دهند، بلکه هدفشان نابودی کل این سیستم نابرابر، ناعادلانه، ارتجاعی و سرمایه‌داری است. حکومت اسلامی در قبال تضمین بقای این سیستم سلطه، می‌تواند خواست‌های اصلاح‌طلبان حکومتی و در اپوزیسیون را به صورتی محدود عملی کند. در صورت رویدادن چنین اتفاقی طبعاً پیش از هر چیز باید جنبش را نجات داد تا بتواند پیشروی کند. همانند دوران انقلاب ۵۷. اگر نیروهای چپ رادیکال می‌توانستند در آن زمان با لیبرال‌ها و جریانات دیگر در یک بازه زمانی مشخص همکاری تاکتیکی بکنند، احتمال فجایع بعدی کمتر می‌شد. مسئله در اینجا منافع عمومی جنبش و خطرات احتمالی آن است و عافیت‌طلبی که بعضی از جریانات به اسم رادیکالیزم به ما می‌فروشد، ساده‌ترین راه است.

در عین حال حکومت اسلامی در یکسال گذشته در اقلیم کردستان و هم در داخل کشور فشار نظامی و امنیتی خود را علیه جریانات چپ و سرنگونی طلب افزایش داده است، جریانات راست و حتی میانه تحرکات خود را افزایش داده اند، تغییراتی در معادلات منطقه ای در جریان است و در نتیجه باید هم خود را برای تحولات آتی آماده کرد و هم جامعه و پایگاه اجتماعی را نیز برای آن آماده کرد.

این پارامترها، فضایی را ایجاد کرده که هر حرکت سیاسی باید با دقت محاسبه شود. نشست اخیر را می‌توان پاسخی به این معادله چندمجهولی دانست.

2. همکاری با مفروض گرفتن تفاوت‌ها

در همکاری یک حزب چپ و سوسیالیست با دیگر احزاب مهم است که اصول بنیادین فکری، برنامه‌ای و استراتژیک و همچنین استقلال سازمانی این حزب حفظ شود و با حفظ چنین اصولی برای پیشبرد مبارزه رهایی‌بخش خود و خنثی کردن خطرات و دسیسه‌های قدرت‌های حاکم در اینجا رژیم ارتجاعی اسلامی، در مواقع ضروری انعطاف‌های در جهت منافع عمومی جنبش انجام دهد. همچنان که لنین در کتاب "بیماری کودکان چپ‌روی" اشاره کرده است: "وقتی خانه ات آتش گرفته با همسایه ای که سطل آب دارد بحث ایدئولوژیک نمی‌کنی - اول آتش را خاموش میکنی، بعد حسابها را می‌رسیم"

در عین حال تجربه تاریخی به ما می آموزد که هرگونه تعامل سیاسی دو خطر عمده هم دارد که برای اجتناب از این خطرات باید آنرا شناخت:

خطر اول: افتادن در دام اتحادهای بی قاعده و از دست دادن هویت. یکی از خطرات عمده برای جریان‌ات چپ و سوسیالیست افتادن در دام همگرایی بی ضابطه است. همان کاری که خیلی از جریان های رادیکال در اروپا انجام دادند و پایگاه اجتماعی خود را به دلیل راست روی های مکرر از دست دادند.

خطر دوم: انزوای خودخواسته و از دست دادن فرصت ها ، که متأسفانه بسیاری از نیروهای چپ خود خواسته به دام این خطر می افتند.

تجربه نشان می دهد در مقابل این خطرات به درستی همواره راه سوم هم وجود داشته است.

راه سوم ، که کومه له در پی آن است - ایجاد "همکاری بنا به ضرورت های سیاسی قابل دفاع در عین حفظ استقلال" است. این مدل اگرچه در تئوری جذاب است، در عمل به سه شرط اساسی نیاز دارد:

- شفافیت کامل درباره حدود همکاری

- نشان دادن مطلوبیت آن برای توده های مردم

- حفظ حق انتقاد در متن همکاری

- تعریف دقیق نقاط خروج از همکاری

سیاست های عملی کومه له در سالهای نخست پس از سقوط رژیم شاه نمونه درخشانی از این خط مشی است که به تشکیل هیئت نمایندگی خلق کرد با حزب دموکرات و ماموستا شیخ عزالدین و چریک های فدای خلق منجر شد. این سیاست که اساساً کومه له مبتکر آن بود به آن حد از انعطاف رسید که سخنگوی هیئت را به حزب دموکرات واگذار و ریاست شیخ عزالدین حسینی را بر

آن پذیرفت. این اتحاد تا موقعی که برقرار بود، بسیار مفید بود، بدون آنکه خدشه ای به اصول و باورهای کومه‌له و حتی برخورد انتقادی در درون اتحاد منجر شود.

بعلاوه تا آنجا که به این اقدام مشخص کومه‌له مربوط است در همین حد محدود نخواهد ماند و این تماسها با احزاب دیگر نیز ادامه خواهد داشت. مطلوب خواهد بود که تلاش شود، مشابه آن با احزاب و گروه‌های دیگر هم برگزار شود..

در شرایط کنونی، عدم اقدام خود یک تصمیم استراتژیک با پیامدهای منفی محسوب می‌شود. باید جامعه را برای رویارویی‌های آینده آماده کرد و طبعا هیچ مبارزه‌ای با تضمین صدصد پیروزی وجود ندارد. ما همکاری‌ها را با چهار اصلی که در اطلاعات دیرخانه کومه‌له (کمونیست) آمده است به باقی جریان‌های دخیل در مبارزات مردم کردستان هم پیشنهاد داده‌ایم. آنچه معلوم است این واقعیت است که در پروسه انقلاب آرایش نیروها به شدت متغیر است و جریان چپ هم باید توانایی مانور سیاسی داشته باشد و هم در عین اینکه خطوط استراتژیک محفوظ می‌ماند، فضای مانور سیاسی را گسترش دهد. این اقدامات نه تنها پایگاه اجتماعی کومه‌له کمونیست را تضعیف نمی‌کند، بلکه فضای بینابینی جامعه را نیز پر می‌کند و از این طریق جریان رادیکال و چپ جامعه بهتر می‌تواند بر معادلات کردستان و حتی سراسری نیز تاثیر بگذارد.

3 - هدف فوری کومه‌له

هدف اصلی و عاجل کومه‌له در این مقطع کسب توافق و گرفتن تعهد از طرف‌های دخیل در مبارزات مردم کردستان بر اصول زیر است: **پایبندی به مبانی دموکراسی در مناسبات بین احزاب، و بر این اساس عدم استفاده از اسلحه و خشونت در جدال‌های سیاسی، به رسمیت شناختن حق حاکمیت مردم، ملزم بودن به انتخاب همپیمانان سراسری که با منافع عمومی جنبش انقلابی کردستان همخوانی داشته باشد و خودداری از وارد شدن در دام‌هایی که جمهوری اسلامی به نام مذاکره بر سر راه احزاب گذاشته است و در آینده می‌گذارد.**

این اقدام در ماهیت خود بر علیه جریان‌های اپوزیسیون فعال در کردستان نیست، بلکه هدف اش خنثی کردن خطرات بلقوه‌ای است که در کمین این جنبش نشسته‌اند و در عین حال سخت کردن هرگونه انحراف نیروها از خواسته‌ها و مطالبات به حق مردم کردستان است.

در نهایت پراتیک معیار حقیقت است و آینده نشان خواهد داد که آیا این حرکت، گامی به جلو در مسیر مبارزه بوده یا نه. اما آنچه امروز می‌توان با اطمینان گفت این است که در شرایط کنونی، هرگونه انجماد و عدم تحرک به معنای ترس از شنا کردن در عمق میدان سیاست است. البته اگر شنا کردن بلد نباشی غرق خواهی شد.